

محور الاهیات پولس

درس
اول

پولس و الاهیات او



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

The Farsi Translation of “The Heart of Paul’s Theology: Lesson 1: Paul and His Theology”

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: محور الاهيات پولس (درس شماره ۱: پولس و الاهيات او)

مدرس: ريحي كيد

حق چاپ ترجمه فارسي اين اثر براي انتشارات خدمات مسيحي هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداري، چاپ، توزيع و دخل و تصرف در اين اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به كسب اجازه رسمي از ناشر است. ارجاعات كتاب مقدسي از ترجمه قديم و هزاره نو (انتشارات ايلام) و ترجمه مژده براي عصر جديد (انجمن متحد كتاب مقدس) گرفته شده است.

ii.

جهت دريافت ساير دروس و راهنماي مطالعه به بخش فارسي خدمات مسيحي هزاره سوم مراجعه كنيد:

farsi.thirdmill.org

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه فرهنگی

فرهنگ یهودی

فرهنگ غیریهودی

(۳) خدمت رسولی

مقام

ماموریت

سفر اول

سفر دوم

سفر سوم

سفر چهارم

نوشتجات

(۴) چشم‌اندازهای اصلی

اصلاحات

آخرت‌شناسانه

واژه‌شناسی

ساختار

تاثیرات

(۵) نتیجه‌گیری

پولس و الاهیات او

مقدمه

آیا هرگز دوستی داشتید که فکر کنید او را خیلی خوب می‌شناسید، تا وقتی که یک اتفاق، روی دیگر او را که هرگز ندیده بودید، نشان داده باشد؟ گاهی که مسیحیان به طور جدی در مورد پولس رسول مطالعه می‌کنند، چنین چیزی اتفاق می‌افتد. اکثر مسیحیان با پولس و رسالات او آشنایی دارند. ما موعظت‌های زیادی می‌شنویم که بر اساس رسالات او هستند، و معمولاً در کلاس‌های مطالعه کتاب مقدس بر او تمرکز می‌کنیم. پولس به اشکال مختلف چون دوستی آشنا به نظر می‌رسد. اما بسیاری از مسیحیانی که در زندگی و الاهیات پولس کندوکاو می‌کنند، از آنچه می‌یابند شگفت‌زده می‌شوند.

در این مجموعه دروس، ما به کنکاشی در محور الاهیات پولس خواهیم پرداخت. این اولین درس از این مجموعه را «پولس و الاهیات او» نامیده‌ایم. این مطالعه را با نگاهی به زندگی و نوشته‌های پولس شروع می‌کنیم تا اجزای اساسی در الاهیات او را بیابیم.

به سه موضوع اصلی خواهیم پرداخت. نخست، به بررسی چند جنبه مهم از پیش‌زمینه پولس خواهیم پرداخت تا ببینیم چطور این جوانب عمیقاً بر اعتقادات مسیحی او تاثیر گذاشتند. دوم، خواهیم دید که چطور اعتقادات او به خدمتش در جایگاه رسول مرتبط است و سوم، دیدگاه‌های اصلی الاهیات پولس را مشخص خواهیم کرد؛ نظریات پر اهمیتی که پولس بسیاری از آنچه به دیگران آموخت را بر آنها استوار کرد. بیایید با نگاهی به پیش‌زمینه فرهنگی پولس شروع کنیم.

پیش‌زمینه فرهنگی

همه ما از تجربه‌ای مشترک، می‌دانیم که چیزهای زیادی بر آنچه در مورد خدا، خودمان و دنیای پیرامون مان باور داریم تاثیر می‌گذارد. هرگز کسی در یک فضای تهی الاهیات بنا نکرده است، و این در مورد پولس نیز صدق می‌کند. اگرچه روح‌القدس پولس را به حقیقت ایمان مسیحی هدایت کرد، اما روح از بسیاری جنبه‌های فرهنگی پولس نیز در هدایت او به سمت حقیقت استفاده کرد. و این یعنی اگر ما می‌خواهیم محور الاهیات پولس را درک کنیم، باید با زندگی او آشنا شویم. متأسفانه ما اطلاعات زیادی درباره تعلیم و تربیت شخصی پولس نداریم. اما می‌دانیم که تحت دو تاثیر قوی فرهنگی بزرگ شد. از یک سو فرهنگ یهودی تاثیر زیادی بر او گذاشت و از طرف دیگر، در معرض فرهنگ یونانی-رومی غیریهودیان قرار گرفتن هم به اشکال قابل توجهی بر او اثر گذاشت.

فرهنگ یهودی

اگر تاثیر ریشه یهودی پولس بر او را دست کم بگیریم، به احتمال زیاد ماهیت الهیات او را گم می‌کنیم. از چند طریق می‌توانیم ببینیم که این ریشه چقدر برای او مهم بود. از طرفی عهد جدید به شکل واضح نشان می‌دهد که پولس قبل از مسیحی شدن، به این ریشه یهودی خود بسیار می‌بالید. توصیف او از ایام جوانی خود، قبل از ایمان آوردنش، آشکار می‌کند که او سفت و سخت به یهودیت متعهد بود. برای مثال، در فیلیپیان ۳: ۵ پولس اعلام کرد که:

روز هشتم مختون شده و از قبیله اسرائیل، از سبط بنیامین، عبرانی از عبرانیان، از جهت شریعت فریسی (فیلیپیان ۳: ۵).

است. پولس یک محافظه‌کار مذهبی و کاملاً سرسپرده به حفظ و دنبال کردن سنت‌های اسرائیل بود. گوش کنید او چگونه خود را در غلاطیان ۱: ۱۴ توصیف می‌کند:

در دین یهود از اکثر هم‌سالان قوم خود سبقت می‌جستم و در تقالید اجداد خود به غایت غیور می‌بودم (غلاطیان ۱: ۱۴).

در حقیقت قبل از ایمان آوردن، تعصب او به یهودیت آنقدر زیاد بود که به کلیسای مسیحی به عنوان یک بدعت یهودی با خشونت جفا می‌کرد. گذشته از این، پولس تحصیلات بالایی در سنت‌های یهودی داشت. با توجه به اعمال ۲۲: ۳، او حتی شاگرد غملائیل، یکی از معروف‌ترین ربای‌ها در اورشلیم بود. پولس به دور از یک متعصب نادان بودن، بسیار آموزش دیده بود و در درک خود از الهیات و متون مقدس یهودی، سطح بالایی داشت. فرهنگ یهودی پولس نه تنها پیش از مسیحی شدن او برایش مهم بود، بلکه بعد از ایمان آوردنش نیز عمیقاً به همان ریشه خود مدیون ماند. برای نمونه، حتی به عنوان یک مسیحی او به انجام بسیاری از رسوم یهودی ادامه داد. همانطور که در اول قرنتیان ۹: ۲۰ می‌گوید:

یهود را چون یهود گشتم تا یهود را سود برم و اهل شریعت را مثل اهل شریعت تا اهل شریعت را سود برم (اول قرنتیان ۹: ۲۰).

عهد جدید زمان‌های بسیاری را ثبت کرده است که پولس مسیحی، به دقت سنت‌های پدران خود را دنبال کرد. حتی بعد از اینکه یهودیان شدیداً او را به‌خاطر ایمانش به مسیح آزار دادند، هویت قومی و وفاداری پولس آنقدر قوی بود که او همچنان و با شدت می‌خواست آنها را نجات دهد. برای مثال، او در رومیان ۹: ۲-۵ نوشت:

در قلب خود دردی جانکاه و اندوهی همیشگی دارم. زیرا آرزو می‌داشتم خود در راه برادرانم، یعنی آنان که هم‌نژاد منند، ملعون شوم و از مسیح محروم گردم. آنها اسرائیلی‌اند و فرزندخواندگی، جلال، عهدها، ودیعه شریعت، عبادت در معبد، و وعده‌ها، همه از آن ایشان است؛ و نیز پدران به ایشان تعلق دارند، و مسیح به لحاظ بشری از نسل آنان است، خدای مافوق همه که او را تا ابد سپاس باد. آمین (رومیان ۹: ۲-۵، هزاره نو).

با در نظر داشتن اهمیت پیش‌زمینه یهودی پولس، حالا در موقعیتی هستیم که پرسیم: چگونه پیش‌زمینه پولس بر الاهیات مسیحی او تاثیر گذاشت؟ این تاثیر به اشکال مختلفی، تقریباً در هر صفحه از رسالات پولس مشهود است، اما دو مورد، به ویژه مهم هستند که به یاد آورده شود.

نخست، هم به عنوان یک یهودی و هم به عنوان یک یهودی مسیحی، پولس به اقتدار متون عهد عتیق باور داشت. او بدون شرط به آنها اعتماد و سرسپردگی داشت. پولس هرگز چیزی را که متناقض تعالیم عهد عتیق باشد باور نمی‌کرد. متأسفانه، در دوره‌های مختلفی از تاریخ کلیسا و حتی در روزگار خود ما، الاهدانانی اظهار کردند که پولس تعالیم عهد عتیق را رد و آنها را با ایمان جدید خود در مسیح، جایگزین کرد. اما هیچ چیز نمی‌توانست فراتر از حقیقت باشد. اما پولس کاملاً در یکتاپرستی اسرائیل عهد عتیق ریشه داشت و از صمیم قلب به الزامات اخلاقی متون مقدس عبری ایمان داشت. هرچه دیگر هم که در مورد پولس بگوییم، به طور قطع می‌دانیم که او حتی برای لحظه‌ای هم باور نکرد که ایمان مسیحی‌اش جدایی‌ای بین او و عهد عتیق انداخته است. در عوض، تعهد او به مسیح، تعلق خاطرش به این متون را عمیق‌تر کرد. گوش کنید او چطور شاگرد خود، تیموتائوس را در دوم تیموتائوس ۳: ۱۴ در مورد عهد عتیق تعالیم می‌دهد:

اما تو در آنچه آموختی و ایمان آوردی قایم باش چونکه می‌دانی از چه کسان تعلیم یافتی، و اینکه از طفولیت کتب مقدسه را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجات به وسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است (دوم تیموتائوس ۳: ۱۴-۱۵).

کتاب مقدس عبرانی، کتاب مقدس پولس باقی می‌ماند.

دوم، پولس محکم بر سر این اعتقاد یهودی ایستاده بود که خدا روزی ماشیح، پسر اعظم داوود را خواهد فرستاد تا اسرائیل را از رنج‌های‌شان رهایی بخشد و پادشاهی خدا را به عموم ملت‌های جهان گسترش دهد. در حقیقت، دلیل اینکه پولس به مسیحیت ایمان آورد، این بود که او باور کرد عیسی همان ماشیحی است که مدت‌ها منتظرش بودند. به همین خاطر او از مسیح خواندن عیسی، یا کریستوس که ترجمه یونانی کلمه عبری مشیخ یا ماشیح بود، دریغ نداشت. پولس مسیحیت را جایگزینی برای یهودیت نمی‌دید. بلکه او باور داشت مسیحیت شاخه‌ای از یهودیت است که عیسی را ماشیح حقیقی می‌دانست.

این پایه‌های ایمان یهودی - یعنی سرسپردگی کامل به متون مقدس، و امید در ماشیح - ابعاد اصلی دیدگاه‌های مسیحی پولس بودند. در این و بسیاری اشکال دیگر، ایمان مسیحی پولس تکیه بر ریشه یهودی او داشت.

اما پولس تنها تحت تاثیر ریشه یهودی‌اش نبود. روح‌القدس از ارتباط پولس با فرهنگ غیریهودی نیز برای شکل دادن به الاهیات او استفاده کرد.

فرهنگ غیر یهودی

در درجه نخست، باید توجه داشته باشیم که پولس همه عمر خود را صرفاً در فلسطین یهودی زندگی نکرد، بلکه در زمان‌های مختلفی از زندگی‌اش، در دنیای غیریهودی نیز زندگی کرد. با توجه به اعمال ۲۱: ۳۹، پولس اهل شهر غیریهودی طرسوس در استان کیلیکیه بود. در اعمال ۲۲: ۳ می‌خوانیم که به اورشلیم آورده شده بود. اما اعمال ۹: ۳۰ و ۱۱: ۲۵ نشان می‌دهد که او دوباره در سنین بزرگسالی در طرسوس زندگی کرد.

علاوه بر این، ارتباط پولس با دنیای غیریهود از حقیقت بهره‌مندی او از مزایای شهروندی روم نیز نشئت می‌گرفت. در حقیقت با توجه به اعمال ۲۲: ۲۸ او شهروندی خود را نخریده بود بلکه از طریق تولد آن را به دست آورده بود. در چندین مورد در کتاب اعمال، می‌خوانیم که او از حقوق شهروندی روم برای ترویج انجیل و نیز دفاع از خود استفاده کرد.

گذشته از این، نامه‌های پولس به کلیساهای غیریهودی نشان‌دهنده تمایل او به رعایت رسوم آنان برای نفع انجیل مسیحی است. او در اول قرنتیان ۹: ۲۱ اظهار قابل توجهی می‌کند:

بی‌شریعتان را چون بی‌شریعتان شدم، هرچند نزد خدا بی‌شریعت نیستم، بلکه شریعت مسیح در من است، تا بی‌شریعتان را سود برم (اول قرنتیان ۹: ۲۱).

پولس آنچنان آگاهی خوبی از فرهنگ غیریهودی داشت که می‌توانست در عین اطاعت از قوانین مسیح، رفتار خود را با رسوم آنان تطبیق دهد.

در نهایت، پولس نشان داد که از ادبیات سطح بالای بت‌پرستان نیز مطلع بود. در متونی مثل اعمال ۱۷: ۲۸ و تیتوس ۱: ۱۲ پولس به فلاسفه بت‌پرست اشاره و حتی از آنها نقل قول کرد. او به خوبی در فلسفه و ادیان دنیای یونانی-رومی تحصیل کرده بود.

حال باید از خود پرسیم آگاهی پولس از فرهنگ غیریهودی چه تاثیری بر او داشت؟ چطور در معرض فرهنگ غیریهودی بودن، او را تحت تاثیر قرار داد؟ پیش از همه، باید این را روشن کنیم که آگاهی پولس از فرهنگ غیریهودی باعث نشد تا - آنطور که بعضی می‌گویند - مسیحیت را برای قابل پذیرش شدن از طرف آنان قربانی کند. او به‌طور واضح، در جهت‌گیری‌های اساسی خود یهودی ماند. با این حال، تماس‌های پولس با دنیای غیریهودی، حداقل به دو طریق بر او تاثیر گذاشت. از یک طرف او را برای خدمت به غیریهودیان خارج از کلیسا آماده کرد. بهتر از بسیاری، او ارزش‌ها و اعتقادات غیریهودیان را می‌شناخت و به‌خوبی آماده بود تا انجیل را به طرق موثری به آنها برساند. برای همین است که در رومیان ۱۱: ۱۳ می‌خوانیم که پولس خود را «رسول امت‌ها» می‌نامد. فراتر از این، پولس آماده بود که به غیریهودیان درون کلیسا نیز خدمت کند و حتی برای آنها بجنگد. در حقیقت، خدمت او به غیریهودیان، او را درگیر یکی از جدی‌ترین مشاجرات کلیسا در قرن اول کرد که درباره اجبار ایمانداران غیریهودی به ختنه یا عدم آن بود. با توجه به باب ۱۵ اعمال، پولس نقشی اساسی در اقناع رسولان و مشایخ نسبت به عدم نیاز ایمانداران غیریهودی به ختنه ایفا کرد. و در رساله خود به غلاطیان، قویا در دفاع از حق غیریهودیان برای زیر بار ختنه نرفتن سخن گفت. اما این مشاجره نشان‌دهنده نگرانی گسترده‌تری بود که پولس برای غیریهودیان در کلیسا داشت. در حالی که مسیحیان یهودی‌نژاد زمان او، غیریهودیان را در بهترین حالت ایمانداران درجه دو می‌شمردند، پولس اصرار داشت که مسیح دیوار جدایی بین یهودیان و غیریهودیان را نابود کرده است. همانطور که در غلاطیان ۳: ۲۸-۲۹ نوشت:

دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یک هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید (غلاطیان ۳: ۲۸-۲۹، هزاره نو).

یکی از مضامین اصلی در بسیاری از رسالات پولس این بود که عیسی در نجات را به روی ملل غیریهودی گشوده است و هر غیریهودی که در مسیح بود، از دید خدا یک یهودی خالص و پیرو حقیقی شریعت است. بنابراین می‌بینیم که پیش‌زمینه پولس در فرهنگ یهودی و غیریهودی به طرق مختلفی بر او تاثیر گذاشت. با در نظر داشتن پیش‌زمینه دوگانه او، می‌خواهیم ببینیم چگونه الهیات پولس به خدمت او ربط پیدا می‌کند.

خدمت رسولی

چنان که خواهیم آموخت، خدمت پولس به کلیسا وسیله‌ای شد برای یک نقطه مرجع ثابت در الهیات او و عمیقا بر آنچه باور داشت تاثیر گذاشت. و به همین دلیل باید به چندین بُعد خدمت او نگاه کنیم. مشخصا به سه جنبه از خدمت او نگاه خواهیم کرد: مقام رسولی او، ماموریت رسولی او، و نوشتجات رسولی او.

مقام

حداقل در بیست مورد پولس خود را به عنوان «رسول» توصیف کرده است و معمولا هم با عنوان «رسول عیسیای مسیح». این ادعای رسالت بسیار مهم بود چون مسیح رسولان را معین کرد تا با اقتدار رسولانی از طرف او با کلیسا صحبت کنند. همه ما می‌دانیم که پولس جزو آن رسولان اصلی که عیسی طی دوران خدمت خود بر زمین انتخاب کرد، نبود. با این حال پولس مدعی بود که نماینده مقتدر مسیح است. اما این چطور امکان داشت؟ پاسخ تکیه بر این حقیقت دارد که پولس از یک مجموعه خصوصیات که برای رسالت مقرر شده بود، برخوردار بود.

در حین انتظار رسولان برای نزول روح‌القدس در روز پنطیکاست، پطرس مصمم بود که رسولی جدید جانشین یهودا شود. پطرس توضیح داد که رسول مقتدر مسیح باید سه مشخصه داشته باشد. اول، با توجه به اعمال ۲۱: ۱ آنها می‌بایست مستقیما توسط خود مسیح در طول دوران خدمت زمینی‌اش تعلیم دیده بودند. دوم، در اعمال ۲۲: ۱ می‌خوانیم که آنها می‌بایست شاهد رستاخیز مسیح باشند. و سوم، در اعمال ۱: ۲۳-۲۶ می‌یابیم که رسولان جدید می‌بایست توسط خود خداوند برای این مقام برگزیده شده باشند.

اما در مورد پولس چطور؟ در نگاه اول، او حتی اولین خصوصیت رسالت را نیز نداشت - به هر حال، او در طول خدمت زمینی عیسی، پیرو او نبود. اما نگاهی نزدیک‌تر، صلاحیت او را آشکار می‌کند. در غلاطیان ۱: ۱۱-۱۸ پولس گزارش می‌دهد که بلافاصله بعد از ایمان، سه سال را در صحرای عربستان گذراند. او طول این دوره را ذکر می‌کند تا نشان دهد تقریبا با زمانی که دیگر رسولان با عیسی صرف کردند، برابر است. در خلال آن سال‌ها، خود عیسی انجیل را به پولس تعلیم داد. به آنچه پولس در غلاطیان ۱: ۱۱-۱۲ می‌گوید گوش کنید:

اما ای برادران شما را اعلام می‌کنم از انجیلی که من بدان بشارت دادم که به طریق انسان نیست. زیرا که من آن را از انسان نیافتم و نیاموختم، مگر به کشف عیسیای مسیح. (غلاطیان ۱: ۱۱-۱۲)

پولس همچنین خصوصیت دوم را نیز دارا بود. در اعمال ۹: ۱-۶ می‌خوانیم که پولس عملاً مسیح قیام کرده را در راه دمشق دید. او نجات‌دهنده برخاسته را دیده بود. در نهایت، بنابر اعمال ۹: ۱۵، خود عیسی پولس را به به مقامش منصوب کرد:

او ظرف برگزیده من است تا نام مرا پیش امت‌ها و سلاطین و بنی اسرائیل ببرد. (اعمال ۹: ۱۵)

و تا مبدا شکی درباره اعتبار رسالت پولس باقی بماند، غلاطیان ۲: ۷-۸ به ما می‌گوید که رسولان اصلی، خواندگی و رسالت او را تایید کردند. همانطور که پولس می‌نویسد، دیگران:

دیدند که بشارت نامختونان به من سپرده شد، چنانکه بشارت مختونان به پطرس، زیرا او که برای رسالت مختونان در پطرس عمل کرد، در من هم برای امت‌ها عمل کرد. (غلاطیان ۲: ۷-۸)

رسولان دیگر، تشخیص دادند که رسالت پولس نظیر پطرس است. به آنچه پطرس در دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶ می‌گوید، گوش کنید:

برادر عزیز ما پولس نیز با استفاده از حکمتی که خدا به او عنایت کرد به شما نوشته است. او در تمام نامه‌های خود درباره این چیزها می‌نویسد. در این نامه‌ها گاهی مطالب دشواری هست که مردمان جاهل و ناپایدار از آنها تفسیر غلط می‌کنند، همان طور که با قسمت‌های دیگر کتاب مقدس هم رفتار می‌کنند و از این راه هلاکت را نصیب خود می‌سازند. (دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶، مؤده)

با توجه به آنچه پطرس می‌گوید، رساله‌های پولس هم‌ردیف «قسمت‌های دیگر کتاب مقدس» شناخته می‌شود. در کلیسای اولیه، معلمین دروغین بسیاری وجود داشتند که تعالیم پولس را رد می‌کردند. بنابراین، عهد جدید برای پاسخ دادن به این معلمین دروغین، روشن کرد که پولس، رسولی مشروع و بر حق است. فرای این، پولس نظریه‌هایی به کلیسا ارائه کرد که درک آن دشوار بود و پذیرفتنش حتی دشوارتر. با این حال، وقتی پولس در نقش خود به عنوان سفیر مسیح خدمت کرد، با اقتدار دیگر رسولان سخن گفت و نیز با اقتدار کتاب مقدس نوشت. فارغ از هرچه که دیگران می‌گفتند، نظریات آنها باید با استاندارد تعالیم پولس قضاوت می‌شد. نوشته‌های او دارای اقتدار خود مسیح است. ما نمی‌توانیم بدون پیروی از پولس، عیسی را پیروی کنیم. حتی امروز نیز، مسیحیان متعهد باید خودشان را با الهیات او وفق دهند.

ماموریت

حالا که اقتدار رسولانی پولس را در ذهن داریم، باید نگاهی به ماموریت رسولانی او بیندازیم. پولس به عنوان یک رسول چه کرد؟ کار او چه بود؟ با نگاهی به سه سفر بشارتی او و نیز سفرش به روم، می‌توانیم ایده خوبی در مورد کاری که او انجام داد پیدا کنیم. بیایید با بررسی اجمالی اولین سفر او به عنوان رسول مسیح، شروع کنیم.

سفر اول

در باب‌های ۱۳ و ۱۴ کتاب اعمال، درباره سفر بشارتی اول پولس می‌آموزیم. آغاز این سفر از آنجا بود که خدا به کلیسا در انطاکیه سوریه گفت که پولس و برنابا را برای کاری مخصوص جدا کنند. بلافاصله بعد از این، روح‌القدس این مردان را به جزیره قبرس هدایت کرد. بعد از چند فرصت بشارتی در آنجا، آنها به سوی ماموریتی بشارتی در آسیای صغیر حرکت کردند. نخستین عمل پولس اعلام انجیل در کنیسه‌های یهودی بود. اما بعد از اینکه مقاومت زیادی از یهودیان دید، موعظه برای امت‌ها را نیز شروع کرد.

پولس با موفقیت تعدادی کلیسا در این سفر تاسیس کرد که چند کلیسا در منطقه غلاطیه نیز شامل آن می‌شد. پس از سفر به سوی شرق تا دربه، پولس و برنابا مسیر خود را برای برگشت تغییر دادند. آنها از مسیر شهرهای غلاطیه عبور کردند و در نهایت با رسیدن به دریا، با کشتی به سمت خانه رفتند. اولین سفر پولس به عنوان سفیر مسیح، نسبتاً کوتاه و بدون مشکل خاصی بود. اما سفر دوم، او را بسیار دورتر از سرزمین فلسطین برد.

سفر دوم

سفر دوم بشارتی پولس، در اعمال ۱۵: ۳۶-۱۸: ۲۲ پدیدار می‌شود. این سفر از آنجا آغاز شد که رسولان و رهبران در کلیسای اورشلیم پولس و برنابا را انتخاب کردند تا نامه‌ای را به کلیساها در انطاکیه، سوریه، کیلیکیه و غلاطیه برسانند؛ که توضیح می‌داد غیریهودیان مسیحی برای به دست آوردن نجات، نیازی به ختنه و نگهداری شریعت موسی ندارند.

درست قبل از آغاز این سفر، پولس و برنابا مشاجره‌ای داشتند که باعث شد راه خود را از هم جدا کنند، و پولس، سیلاس را به عنوان همسفر خود برگزید. این دو نخست با سفر از طریق سوریه و بعد کیلیکیه، به غلاطیه رسیدند. در شهر لستره از آن نواحی بود که تیموتائوس نیز در این سفر به پولس پیوست.

در ادامه مسیر، پولس خواست که انجیل را به شمال در آسیا و بطینیا موعظه کند، اما روح‌القدس او را منع کرد. بنابراین، پولس به شهر ساحلی تروآس سفر کرد. آنجا بود که دلیل منع روح‌القدس از طریق رویای پولس که

به «روای مکادونیهای» مشهور است، معلوم شد. در این رویا مردی به او التماس می‌کرد تا انجیل را در مکادونیه، استان شمالی یونان، موعظه کند. پولس و همسفرانش بلافاصله با سوار شدن به کشتی به سوی آن استان، به این نهایتاً او با حرکت به سوی جنوب، از آتن دیدن کرد و کلیسایی در قرنتس تاسیس نمود. پولس بعد از آن به افسس رفت و بعد از مدتی توقف در آنجا، به سوی فلسطین برگشت.

سفر سوم

اندکی بعد از سفر دوم بشارتی پولس، سفر سوم انجام شد که این بار او به نواحی دوردست در غرب سفر کرد. سومین سفر بشارتی پولس در اعمال ۱۸: ۲۳-۲۱: ۱۷ دیده می‌شود. در این سفرها، پولس با عبور از مسیر انطاکیه سوریه، غلاطیه و فریجیه، بعداً به افسس رفت در آنجا خدمتی موفق برقرار کرد. بعد از این، او چند ماه را صرف سفر در یونان کرد و از شمال به جنوب رفت و دوباره به شمال برگشت. او از کلیساهایی که در سفر قبلی خود در این منطقه تاسیس کرده بود، دیدار کرد. و بعد، از طریق زمین و دریا به سمت اورشلیم برگشت. وقتی پولس از سفر سوم بشارتی خود به اورشلیم برگشت، یهودیان کاذبانه او را به فتنه متهم کردند و توسط رومیان دستگیر شد. بعد از گذراندن دو سال در زندان، پولس مدعی استفاده از حق خود به عنوان شهروند روم برای فرجام‌خواهی نزد قیصر شد. این فرجام‌خواهی نزد قیصر، منجر به سفر چهارم شد که او را به روم برد.

سفر چهارم

این سفر در باب‌های ۲۷ و ۲۸ اعمال ثبت شده است. پولس بخش عمده این سفر را با کشتی طی کرد. بین کرت و جزیره مالتا، طوفان سهمگینی، کشتی حامل پولس و تعدادی زندانی دیگر را کاملاً نابود کرد. خدمه، نگهبانان، پولس و همراهانش پیش از آنکه بتوانند سفرشان به سمت روم را ادامه دهند، در نتیجه کشتی شکستگی سه ماه در جزیره مالتا ماندگار شدند. پولس از سال ۶۰ تا ۶۲ میلادی در روم تحت بازداشت خانگی بود. در طی این زمان، او قادر بود تا آزادانه خدمت کند.

روایات متداول به ما می‌گویند که پولس توسط نرون تبرئه شد و بعد برای موعظه انجیل به طرف اسپانیا سفر کرد. برخی شواهد از رسالات تیموتائوس و تیتوس نیز نشان می‌دهند که او برای تاسیس و تقویت کلیساهای آنجا، به سمت شرق سفر کرد. اما احتمالاً در حدود سال ۶۵ میلادی یا اندکی پس از آن، نرون دوباره پولس را دستگیر و در نهایت او را اعدام کرد.

نگاهی اجمالی به منطقه مابین اورشلیم و روم نشان می‌دهد که پولس از مناطق بسیاری دیدن کرد و با هزاران نفر در بیش از بیست و پنج شهر، برخورد داشت. از این حقیقت که او متحمل چنین سفرهای گسترده‌ای شد چه می‌آموزیم؟ این سفرها درباره محور الهیات پولس به ما چه می‌گویند؟

لازم به ذکر نیست که از سفرهای بشارتی پولس، می‌توانیم چیزهای زیادی درباره‌ی الاهیات او بیاموزیم. اما یکی از مهم‌ترین چیزهایی که می‌آموزیم این است که الاهیات پولس به او اجازه نداد که یک الاهیدان پشت میز نشین باشد. بدون شک، پولس تحصیلات زیادی داشت و بسیار باهوش بود. اما الاهیات او، او را به سوی یک زندگی سرشار از فداکاری و خدمت برد. بنابراین، وقتی به محور الاهیات پولس نگاه می‌کنیم، نباید به دنبال مجموعه‌ای از عقاید و باورهای جدا از زندگی عملی باشیم. وقتی الاهیات پولس را به درستی درک کنیم، این درک به ما الهام خواهد بخشید و ما را راهنمایی خواهد کرد - همانطور که او را راهنمایی کرد - تا به سمت یک زندگی مملو از خدمت به مسیح، کلیسا، و جهان پیش برویم.

اکنون در موقعیتی هستیم که به سومین جنبه از خدمت او بپردازیم: نوشتجات رسولانی او، یا رسالات عهد جدید.

نوشتجات

از آنجا که پولس در سنگر یک خدمت عملی مداوم زندگی کرد، با مشکلات خاصی که کلیساهای مورد بازدیدش را به زحمت می‌انداخت، آشنا بود. می‌توانید تصور کنید که مشکلات در غلطیه با مشکلات در افسس تفاوت داشتند. و مشکلات در افسس با چالش‌هایی که در قرنتس وجود داشت فرق می‌کردند. هر محلی که او به آنجا می‌رفت متفاوت بود. در نتیجه، وقتی پولس رسالات خود را می‌نوشت، توجه او معطوف به پاسخ دادن به نیازهای آن شرایط خاص بود.

در عهد جدید ما سیزده نامه داریم که پولس در زمان‌های مختلفی از خدمت خود آنها را نوشت. از آنجا که نامه‌های پولس بسیار وابسته به شرایط بود و برای پاسخ به مشکلات به‌خصوصی می‌نوشت، هیچکدام از نامه‌های او مجموع تمام الاهیات وی را به شکلی مرتب و منتظم ظاهر نمی‌کند. در عوض، رسالات او حاوی کاربردهای شبانی الاهیات اوست. در اکثر موارد واضح است که پولس نامه خود را در پاسخ به مشکل خاصی در کلیسا نوشته است و ما جزئیات این حقیقت را در دروس بعدی بررسی خواهیم کرد.

اما برای نشان دادن اینکه این موضوع چقدر صحت دارد، بیایید لحظه‌ای به کتاب رومیان فکر کنیم. بسیاری از مسیحیان به اشتباه، در مورد کتاب رومیان به عنوان یک چکیده منتظم از الاهیات پولس صحبت می‌کنند. و به همین دلیل، آنها نتیجه گرفته‌اند که موضوعات سطح این کتاب، نظام الاهیاتی پولس را شکل می‌دهد. اما بررسی دقیق‌تر رومیان نشان می‌دهد که پولس حتی این کتاب را در پاسخ به مشکلات به‌خصوصی نوشت. یکی از دلایل اصلی‌ای که پولس به آنان نوشت، برای تثبیت روابط بین ایمانداران یهودی و غیریهودی در روم بود.

یک بررسی اجمالی از ساختار رومیان، این تمرکز شبانی را بسیار واضح می‌کند. در سه فصل اول، پولس بر اثبات این موضوع تمرکز می‌کند که هم یهودیان و هم غیریهودیان گناهکار هستند و هیچکدام حق ندارند که

خود را از دیگری برتر بدانند. در فصول ۴-۸ او تاکید می‌کند که چطور خدا برای یهودیان و غیریهودیان همان یک راه نجات را قرار داده است. یهودیان و غیریهودیان در حضور خدا وضع برابری دارند. در فصول ۹-۱۱ پولس بر نقش مکمل یهودیان و غیریهودیان در نقشه خدا برای تاریخ بشریت تمرکز می‌کند. سپس، بعد از تاکید بر این موضوعات آموزه‌ای، در فصول ۱۲-۱۶ او به چند مشکل از زندگی عملی مسیحی رسیدگی می‌کند که ارتباط نزدیکی به مناقشات بین یهودیان و غیریهودیان داشت.

برای مثال، در فصل ۱۲ او اصرار می‌کند که مسیحیان با وجود تفاوت‌های‌شان باید به عنوان یک بدن واحد عمل کنند. در فصل ۱۳ او از ثبات صحبت می‌کند و حتی از مسیحیان می‌خواهد که مطیع حکومت‌های امت‌ها باشند. و در فصول ۱۴-۱۶، قبل از اینکه رساله را به اتمام برساند، پولس بر نیاز به درک متقابل بین یهودیان و غیریهودیان از طریق احترام به سنن یهودی و غیریهودی تمرکز می‌کند.

بررسی مختصری از رساله پولس به رومیان نشان می‌دهد که او قصد نداشت رساله رومیان بیانیه اعتقادات او باشد. در عوض، این کتاب در درجه اول پاسخ به مسائل شبانی ارتباط بین یهودیان و غیریهودیان در کلیسای مسیحی است. رومیان، کاربرد الهیات پولس به برخی احتیاجات بسیار خاص بود.

اشتباه نکرده‌ایم اگر باور داشته باشیم که پولس دارای مجموعه‌ای از اعتقادات منطقی و صحیح الهیاتی، یا آنچه که ما شاید آن را الهیات منتظم بخوانیم، بود. اما نظام الهیات پولس نانوشته ماند، حتی با وجود اینکه رسالتش را تحت پوشش قرار داد. تا جایی که ما می‌دانیم، نظام الهیات پولس هرگز به شکل کامل نوشته نشد. با این وجود، می‌توانیم تا حد زیادی بر اساس نامه‌هایی که او نوشت، آن را بازسازی کنیم.

برای بازسازی نظام الهیاتی پولس، نباید تنها به موضوعاتی که او بیشتر به آنها اشاره کرد نگاه کنیم. چون او بیشتر وقت خود را صرف نوشتن درباره مسائل کرد که مورد علاقه کلیسای زمان او بود. در عوض، باید پرسیم: چه اصولی پشتوانه مسائلی به خصوص است که پولس نوشت؟ چه الگوهای منسجم اعتقادی‌ای به بهترین شکل تعالیم به خصوص او را توضیح می‌دهند؟ کدام آموزه‌ها وجه اشتراک مسائل گوناگونی است که او به کلیساهای مختلف نوشت؟ با پاسخ به چنین پرسش‌هایی، قادر خواهیم بود که نظام الهیات پولس را بازسازی کنیم. و واضح‌تر درک خواهیم کرد که چطور نامه‌های پولس قصد داشتند راهنمای کلیسای قرن اول باشند و چطور باید امروز ما را راهنمایی کنند.

اکنون که برخی دیدگاه‌های بنیادی درباره زمینه و خدمت پولس را بررسی کردیم، آماده‌ایم تا مستقیماً به چشم‌اندازهای الهیاتی پولس نگاه کنیم.

چشم‌اندازهای اصلی

در این مرحله، باید چند سوال اساسی بپرسیم: ساختار الهیات پولس چه بود؟ چه نوع باورهایی آنچه که او در رسالاتش تعلیم داد را پوشش می‌دهد؟ پاسخ به این سوالات برای درک صحیح پولس، ضروری است. پولس آنچنان بر بسیاری از سنت‌های مسیحی تأثیرگذار بوده است که حتی ذکر همهٔ طرقی که الهیات او درک شده، غیرممکن است. ما خود را به دو جهت بنیادین که مفسرین به آنها پرداخته‌اند محدود می‌کنیم: چشم‌اندازهای «اصلاحات» بر الهیات پولس، و آنچه که ما آن را چشم‌اندازهای آخرت‌شناسانه می‌خوانیم که در دهه‌های اخیر تأثیرگذار شده است. بیاید ابتدا به چشم‌اندازهای «اصلاحات» بر الهیات پولس نگاه کنیم.

اصلاحات

درک اصلاحگران پروتستان از ساختار الهیات پولس چه بود؟ در سده‌های پیش از اصلاحات، کلیسای کاتولیک روم تعلیم می‌داد که لازمهٔ نجات هم فیض خدا و هم لیاقت انسان است. بنا بر این تعلیم، مبرا شمردگی روندی طولانی است که در آن خدا به ایماندار ذره ذره فیض می‌بخشد و این فیض ایماندار را قادر می‌سازد تا با انجام اعمال نیکو، بیشتر مبرا شود. افراد وقتی کاملاً مبرا شمرده می‌شوند و نجات می‌یابند که به مقدار کافی اعمال نیکو انجام داده باشند تا بر اساس استاندارد شریعت خدا مبرا شوند.

اما وقتی که اصلاحگران پیشرو مثل مارتین لوتر، اولریش تسوینگلی، و ژان کالون نامه‌های پولس رو می‌خواندند، نتیجه گرفتند که تفاسیر شریعت گرایانهٔ کاتولیک از پولس اشتباه بود. آنها از تعلیم آگوستین پیروی کردند که مبرا شمردگی به یک‌باره اعطا می‌شود و تماماً از اعمال انسانی جداست، نه اینکه طی روندی طولانی ذره ذره بخشیده شود و با تلاش انسانی ادغام باشد. تقدیس، روند طولانی زندگی مسیحی، از پس مبرا شمردگی می‌آید و در تمام طول حیات ایماندار، ادامه می‌یابد. اما مبرا شمردگی، اعلام قانونی و یک بار برای همیشه خداست مبنی بر اینکه یک ایماندار از مجرمیت گناه تبرئه شده و عدالت مسیح به حساب او گذاشته شده است.

این باور به نام سولا فیده (sola fide) – تنها با ایمان – شناخته شد چون به ما آموخت که مبرا شمردگی صرفاً به واسطهٔ ایمان در مسیح است نه به واسطهٔ ایمان به علاوهٔ اعمال نیکوی ما. بدون شک، اینکه اصلاحگران این آموزه را در نوشته‌های پولس یافتند، صحیح بود. در کلیسای اولیه، بعضی از فرقه‌های ایمانداران یهودی که به عنوان مسیحیان یهودی مسلک شناخته می‌شدند، استدلال می‌کردند که نجات نتیجهٔ اختلاط فیض الهی و اعمال انسانی است. اما پولس با این شریعت‌گرایی در کلیسای اولیه مخالفت کرد و اصرار ورزید مبرا شمردگی رویدادی منحصربه‌فرد است که جدا از کار شریعت اتفاق می‌افتد. شباهت بین مباحثات اصلاحات و مباحثاتی که پولس با آنها

روبرو شد، کاملاً روشن است. شریعت‌گرایی کلیسای کاتولیک روم تقریباً با شریعت‌گرایی یهودی‌مسلکان مطابقت داشت و «تنها با ایمان» اصلاحات به موازات تعلیم پولس بود.

در نتیجه، عموم پروتستان‌ها معتقد بودند که پولس الاهیات خود را حول این محور بسط داد که چطور نجات در اشخاص ایماندار اعمال می‌شود. در بستر الاهیاتی سنتی، تصور می‌شد که الاهیات پولس پیرامون اُردو سالوتیس (ordo salutis) یا ترتیب نجات شکل گرفته باشد که به معنای روندی است که نجات در مسیح، در من و شما اعمال شده است. در سنت اصلاحات، غالب پروتستان‌ها باور داشتند که اُردو سالوتیس، و به طور خاص میرا شمردگی تنها از طریق ایمان، اصلی‌ترین مفهوم در الاهیات پولس است. آنها معتقدند که این محور الاهیات پولس است.

البته در طول قرون، پروتستان‌ها تشخیص دادند که پولس به بسیاری موارد دیگر غیر از میرا شمردگی تنها از طریق ایمان نیز باور داشت. او بسیار به تاریخ طولانی رستگاری خدا که در مرگ و قیام مسیح به اوج خود رسید، علاقمند بود. در بستر الاهیاتی، این جنبه از تعلیم او را هیستوریا سالوتیس (historia salutis) یا تاریخ نجات می‌نامیم. اما برای مدت مدیدی، تا سالیان اخیر درک سنتی از الاهیات پولس اینگونه بود که تاریخ نجات از اهمیت کمتری نسبت به ترتیب نجات برخوردار است. حتی اکنون نیز غالب پروتستان‌ها تاریخ نجات را به عنوان مرکز الاهیات پولس نمی‌بینند.

آخرت‌شناسانه

اگرچه دیدگاه پروتستان در ابتدا نسبت به تفسیر الاهیات پولس بسیار مسلط بوده، اما خالی از چالش نیز نبوده است. نقطه‌نظر مکمل دیگری در دهه‌های اخیر به عرصه آمده است که آن را منظر آخرت‌شناسانه در الاهیات پولس می‌نامیم. این منظر، اندیشهٔ مرکزیت بیشتر ترتیب نجات نسبت به تاریخ نجات در الاهیات پولس را مورد بازبینی قرار داد.

البته، این نیز صحیح است که چشم‌اندازهای بسیار دیگری دربارهٔ الاهیات پولس در دهه‌های اخیر ارائه شده‌اند. برخی الاهیدانان برجسته استدلال کرده‌اند که الاهیات پولس در درجهٔ نخست بر ادغام پیش‌زمینهٔ یهودی او با فلسفهٔ یونانی متمرکز است. برخی دیگر اولویت پولس را تاکید بر زندگی مبتنی بر اخلاق به جای غرایز جسمی دیده‌اند. دیگران استدلال کرده‌اند که الاهیات پولس عمیقاً تحت تاثیر مذاهب اسرارآمیز یونانی یا یهودیت آخرالزمانی بوده است. برخی از این نقطه‌نظرات، بینشی به درون الاهیات پولس ارائه می‌دهند اما هیچکدام از آنها به اندازهٔ چشم‌انداز آخرت‌شناسانه به الاهیات او، مفید نیستند.

برای بازبینی چشم‌انداز آخرت‌شناسانه به الهیات پولس، بر سه موضوع متمرکز خواهیم شد: نخست، واژه‌شناسی آخرت‌شناسی؛ دوم ساختار آخرت‌شناسی پولس؛ و سوم، تاثیرات آخرت‌شناسی پولس. بیایید ابتدا نگاهی به اصطلاح «آخرت‌شناسی» بیندازیم.

واژه‌شناسی

اصطلاح «آخرت‌شناسی» یا «اسکتالوژی» (eschatology) از واژه یونانی اسکاتس (eschatos) به معنای «پسین» یا «انتها» می‌آید. بنابراین، آخرت‌شناسی آموزه یا تعلیم دربارهٔ امور آخر یا پایان زمان است. عهد عتیق بارها از اصطلاحاتی مثل «روزهای آخر» یا «زمان‌های آخر» در اشاره به اوج عظیم تاریخ نجات اشاره می‌کند که باید وقتی نهایتاً ماشیح به زمین می‌آمد اتفاق بیفتد. و در موارد متعددی، عهد جدید به تحقق این «روزهای آخر» یا «زمان‌های آخر» عهد عتیق در عیسی، ماشیح، اشاره می‌کند. از همین کاربرد کلمه یونانی اسکاتس است که ما اصطلاح الهیاتی «اسکتالوژی» یا «آخرت‌شناسی» - آموزهٔ «روزهای آخر» یا «زمان‌های آخر» - را گرفته‌ایم. در الهیات منتظم سنتی، اصطلاح آخرت‌شناسی عمدتاً به تعلیم کتاب مقدس دربارهٔ بازگشت ثانوی مسیح اشاره دارد. اما وقتی دربارهٔ رویکرد آخرت‌شناسانهٔ پولس صحبت می‌کنیم، می‌باید این اصطلاح را به بسیار فراتر از بازگشت ثانوی مسیح گسترش دهیم. چنان که خواهیم دید، پولس همه چیز را دربارهٔ مسیح از آمدن نخست او تا دومین، تحت شرایط آخرت‌شناسی یا زمان‌های آخر درک کرد.

ساختار

برای اینکه ببینیم چطور اصطلاح «آخرت‌شناسی» را به فراسوی بازگشت ثانوی مسیح گسترش دهیم، باید توجه‌مان را به ساختار آخرت‌شناسی پولس معطوف کنیم. پولس چه درک و تصویری از روزهای آخر یا پایان زمان داشت؟ جستجوی ما در این موضوع به سه بخش تقسیم می‌شود: خاستگاه، تکوین و مضمون آخرت‌شناسی پولس. بیایید ابتدا به خاستگاه آخرت‌شناسی پولس نگاه کنیم.

خاستگاه: در زمان پولس، الاهدانان یهودی معمولاً تعلیم می‌دادند که عهد عتیق تاریخ جهان را به دو عصر بزرگ تقسیم کرده است. بخش نخست زمان حاضر - زمان گناه و مشکلات - بود که آنها به آن اصطلاح «عصر حاضر» یا در عبری الَم هزه (olam hazeh) داده بودند. «عصر حاضر» در عذاب اسرائیل از بلای الهی تبعد از سرزمین وعده، به بدترین وضعیت خود رسید. جای تعجبی ندارد که الاهدانان یهودی دربارهٔ «عصر حاضر» با الفاظی بسیار منفی صحبت می‌کردند.

اما ربای‌ها همچنین معتقد بودند که باید عصر پر برکتی در آینده باشد که از پس این عصر مشکلات بیاید. آنها این عصر آتی را «عصر آینده» خواندند که در عبری آلام هابا (olam haba) است. در عصر آینده، خدا نهایتاً به تمامی وعده‌های خود دربارهٔ برکت به اسرائیل عمل می‌کرد.

اکثر گروه‌های یهودی در زمان پولس باور داشتند که ظهور ماشیح به عنوان نقطهٔ عطفی قاطع بین این دو عصر است. وقتی ماشیح می‌آید، روز خداوند را ظاهر می‌کند، روزی که خدا در آن بالاخره قوم خود را برکت می‌داد و دشمنانش را نابود می‌کرد. این روزی بود که عصر آینده را نشان می‌داد.

وقتی رسالات پولس را می‌خوانیم، معلوم می‌شود که او نیز به همین دیدگاه بنیادین دو عصر تاریخی معتقد بود. در حقیقت، او در دوازده مورد مستقیماً به عصری که در آن زندگی می‌کرد به عنوان «عصر حاضر» اشاره کرد. به طور مثال، پولس در اشاره به شیطان در دوم قرنتیان ۴: ۴، از «خدای این عصر» استفاده کرد. و نیز وقتی دربارهٔ فیلسوفان بت‌پرست در اول قرنتیان ۱: ۲۰ صحبت می‌کرد، آنان را «فلاسفهٔ این عصر» خواند.

به شکلی مشابه، پولس از اصطلاح «عصر آینده» در اشاره به زمانی آتی که داوری و برکات نهایی بر نوع بشر خواهد رسید، استفاده کرد. به عنوان مثال، در اول تیموتائوس ۶: ۱۹ پولس ایمانداران را تشویق به وفاداری می‌کند تا «برای خود اساس نیکو به جهت عالم آینده نهند.» و در افسسیان ۲: ۷ او گفت که خدا مسیح را از مرگ برخیزانید تا «در عالم‌های آینده دولت بی نهایت فیض خود را... ظاهر سازد.»

شاید بهترین مثال از تفکر دو عصری پولس در افسسیان ۱: ۲۱ پدیدار می‌شود. در آنجا وقتی او از جلوس مسیح می‌نوشت، صراحتاً به هر دو عصر اشاره کرد:

بالتر از هر ریاست و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی که خوانده می‌شود، نه در این عالم فقط بلکه در عالم آینده نیز. (افسسیان ۱: ۲۱)

با این الگوی بنیادین دو عصر در ذهن، باید اکنون به راهی نگاه کنیم که پولس یک آخرت‌شناسی مشخصاً مسیحی تکوین کرد.

تکوین: به یاد دارید که در آخرت‌شناسی سنتی یهودی، نقطهٔ عطف بین عصر حاضر و عصر آینده، ظهور ماشیح بود. قرن‌ها بود که یهودیان باور داشتند وقتی ماشیح بیاید، در حالیکه دشمنان خدا فوراً نابود خواهند شد، قوم خدا برکات کامل او را دریافت خواهند کرد. اما پولس به عنوان پیرو مسیح، با چالشی جدی در برابر این باور دیرینه مواجه شد. او می‌دانست که عیسی، ماشیح اسرائیل است — اما همچنین می‌دانست که عیسی جهان را به فراز پایانی خود آنچنان که اسرائیل انتظار داشت، نرسانده است. مانند خود عیسی، و مانند بقیهٔ عهد جدید، پولس این مشکل را با اصلاح آخرت‌شناسی سنتی یهودی پاسخ داد.

آنچنان که پولس توضیح می‌دهد، گذار از این عصر به عصر آینده، انتقالی ساده از یک عصر به عصر بعدی نبود. در عوض، شامل دوره‌ای متوافق می‌شد که هر دو عصر به صورت همزمان جریان داشتند. از نقطه نظر او، عصر آینده از طریق مرگ، قیام و صعود مسیح آغاز شده بود. پولس همچنین اطمینان داشت که وقتی مسیح در جلال بازگشت کند، این عصر شیرانه پایان می‌یابد و عصر آینده با تمام پری خود از برکت نهایی برای قوم خدا و داوری برای دشمنانش، خواهد رسید. ضمن اینکه در عین حال، هر دو عصر - عصر حاضر و عصر آینده - هر دو در کنار یکدیگر وجود دارند.

با در ذهن داشتن خاستگاه و تکوین آخرت‌شناسی پولس، مفید خواهد بود که به شرح برخی مضامین در نامه‌های پولس بپردازیم که می‌باید تحت شرایط اعصار متوافق تاریخ درک شوند.

مضامین: معمول است که برای توضیح دیدگاه پولس در آخرت‌شناسی، از اصطلاح «هم‌اینک و نه هنوز» استفاده شود، چون پولس باور داشت که برخی از جوانب زمان‌های آخر یا روزهای آخر، هم‌اینک در مسیح به واقعیت تبدیل شده است، در حالیکه جوانب دیگر هنوز محقق نشده‌اند. بیایید معنای این اصطلاح را بشکافیم.

از یک سو، به عقیده پولس عصر آینده هم‌اینک به طرق متعددی حاضر است. ما به سه موردی که این مضمون در نوشته‌های پولس پدیدار می‌شود اشاره خواهیم کرد. در وهله نخست، پولس تعلیم داد که آخرین مرحله از پادشاهی خدا وقتی آغاز شد که عیسی بر تخت آسمانی خود نشست. برای مثال، پولس در افسسیان ۱: ۲۰-۲۱ نوشت که وقتی پدر عیسی را از مرگ برخیزانید، او:

[عیسی را] به دست راست خود در جای‌های آسمانی نشانید، بالاتر از هر ریاست و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی که خوانده می‌شود، نه در این عالم فقط بلکه در عالم آینده نیز. (افسسیان ۱: ۲۰-۲۱)

اگرچه در زمان حاضر سلطنت مسیح عمدتاً در قلمروهای آسمانی محقق شده است تا روی زمین، اما این نیز حقیقت دارد که مسیح هم‌اینک بالاتر از تمام حکومت‌ها و قدرت‌ها، سلطنت می‌کند. در این مفهوم، سلطنت خدا در عصر آینده یک واقعیت کنونی است.

دومین جنبه از عصر آینده که هم‌اینک با ما حاضر است، نوبر میراث ابدی ما در روح‌القدس است. پولس تعلیم داد که وقتی مسیح بر تخت خود در آسمان نشست، روح‌القدس را به عنوان نوبری از میراث کاملی که در بازگشت او خواهیم یافت، بر کلیسا نازل کرد. در رومیان ۸: ۲۳ پولس این مسئله را با اشاره به ایمانداران به عنوان کسانی که «نوبر روح» را یافته‌اند، توضیح داد. نوبر (کلمه Firstfruits در انگلیسی) ترجمه کلمه یونانی هاپاره (aparache) است که خود ترجمه‌ای از یک اصطلاح عهد عتیقی است که برای اولین قسمت از برداشت در نظر گرفته

شده بود. نوبر، نشان می‌داد که برداشتی بیشتر در راه است. بنابراین برای پولس، عطای روح‌القدس در زندگی تمام ایمانداران، نوبری از برکات عظیم عصر آینده است.
به طریقی مشابه، با توجه به افسسیان ۱: ۱۴، خود روح‌القدس:

بیعانه میراث ما است برای فدای آن ملک خاص او تا جلال او ستوده شود. (افسسیان ۱: ۱۴)

اصطلاح یونانی‌ای که «بیعانه» ترجمه شده، هارابن (arrabon) است. این اصطلاح اشاره به روح‌القدس به عنوان پیش‌پرداخت یا بیعانه خدا به ما دارد، که تضمین می‌کند در آینده بسیار بیشتر از خدا دریافت خواهیم کرد. یک بار دیگر می‌بینیم، روح‌القدس برکت عصر آینده است که خدا هم‌اینک به ما بخشیده است.
سرانجام، پولس اشاره کرد که مسیح خلقت جدید را در راستای عصر آینده آغاز کرد. به‌خاطر کاری که مسیح انجام داد، ایمانداران اکنون تا حدودی از خلقت دوباره جهان بهره‌مند می‌شوند. در عهد عتیق خداوند به قوم خود وعده داد که در روزهای آخر، او جهان را دوباره کاملاً خلق خواهد کرد و آن را به همان شکل عالی‌ای که قبل از گناه انسان در باغ عدن وجود داشت، کاملاً خلق خواهد کرد. گوش کنید که چطور خداوند عصر آینده را برای اشعیا در اشعیا ۶۵: ۱۷ توضیح می‌دهد:

من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید. (اشعیا ۶۵: ۱۷)

در ذهن پولس، این حقیقت که مسیح هم‌اینک مردمان را نجات می‌دهد، اثبات این بود که خلقت دوباره جهان آغاز شده است. دوم قرن‌تین ۵: ۱۷، این تفکر را به خوبی بیان می‌کند:

پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است. (دوم قرن‌تین ۵: ۱۷)

با وجود اینکه پولس تعلیم داد که بسیاری از جوانب عصر آینده هم‌اینک در آمدن نخست مسیح آغاز شده است، اما معتقد بود که هنوز برکات روزهای آخر در پُری نرسیده‌اند. بنابراین، او به بازگشت ثانوی مسیح به عنوان زمانی که مسیح داوری و برکات نهایی را محقق خواهد کرد، نگاه می‌کرد. یک بار دیگر، به سه طریقی که دیدگاه پولس دیده می‌شوند، اشاره می‌کنیم.

در وهله نخست، چنانکه دیدیم، پولس تعلیم داد که مسیح پادشاه، اکنون از تخت خود در آسمان سلطنت می‌کند. اما همچنین، پولس باور داشت که وقتی مسیح باز گردد، پادشاهی خدا را در کاملیت مستقر خواهد کرد. گوش کنید که او چطور در اول قرن‌تین ۱۵: ۲۴-۲۶ این موضوع را عنوان می‌کند:

و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید. زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پای‌های خود نهند، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است. (اول قرن‌تین ۱۵: ۲۴-۲۶)

این قسمت روشن می‌کند که پولس فرای سلطنت کنونی مسیح، به آینده‌ای نگاه می‌کرد که در آن تمام حکومت‌ها، قدرت‌ها و اولیای امور که علیه اهداف خدا می‌ایستند، نابود خواهند شد. مسیح بر تخت سلطنت خود تا زمانی که تمام دشمنان - و مرگ - نابود شوند. بنابراین به یک معنا، پولس باور داشت که سلطنت مسیح هم‌اکنون برقرار است و در معنای دیگر، معتقد بود که هنوز مستقر نشده است.

در مرحله دوم، چنان که دیدیم، پولس باور داشت که روح‌القدس نوبر خرمن نجات و پیش‌پرداخت میراث ماست. اما اصطلاحات «نوبر» و «پیش‌پرداخت» نشان می‌دهند که دریافت کامل میراث‌مان در آینده است. گوش کنید که پولس این موضوع را چطور در رومیان ۸: ۲۳ عنوان می‌کند:

و نه این فقط، بلکه ما نیز که نوبر روح را یافته‌ایم، در خود آه می‌کشیم در انتظار پسرخواندگی یعنی خلاصی جسم خود. (رومیان ۸: ۲۳)

در اینجا پولس مستقیماً واقعیت کنونی عطای روح‌القدس را به آینده مرتبط ساخت. از آنجا که عصر آینده هم‌اینک حاضر است، ما نیز هم‌اینک روح‌القدس را یافته‌ایم. اما همچنان «در خود آه می‌کشیم» چون هنوز رهایی بدن‌های خود را نیافته‌ایم.

به طریق بسیار مشابهی، پولس در افسسیان ۱: ۱۴ نوشت که روح‌القدس:

بیعانه میراث ما است برای فدای آن ملک خاص او تا جلال او ستوده شود. (افسسیان ۱: ۱۴)

روح‌القدس یک نوبر فوق‌العاده است، اما تنها نوبری است از یک رهایی عظیم‌تر - میراث کامل ما.

سرانجام، با اینکه خلقت جدید یک واقعیت روحانی در زندگی ایمانداران است، ما در انتظار تازه‌سازی کامل خلقت و حکمرانی ابدی‌مان بر زمین جدید هستیم. همانطور که پولس در رومیان ۸: ۲۱ نوشت، در همان زمان که بدن‌های جدیدمان را دریافت می‌کنیم:

... خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود. (رومیان ۸: ۲۱)

نگاه پولس به بازگشت مسیح در آینده به عنوان زمانی بود که خلقت جدید در پری کامل خود مستقر خواهد شد. ما تنها به چند مورد از راه‌هایی پرداختیم که پولس در برخورد با مضامین مهم دربارهٔ عصر حاضر و عصر آینده از آنها استفاده کرده است. اما الگویی اساسی ارائه کردیم که زمینهٔ تمام دیدگاه‌های اوست. عصر آینده حقیقتی حاضر با برکات فراوان برای ایمانداران است. اما تا زمانی که مسیح در جلال برنگردد، این عصر کاملاً تمام نخواهد شد و به کمال خود نخواهد رسید. در عین حال، مشکلات این عصر و عجایب عصر بعدی، در کنار هم وجود دارند. پس از مشاهدهٔ ساختار آخرت‌شناسی پولس، باید اکنون به برخی از تأثیرات مهم دیدگاه‌های او بپردازیم.

تأثیرات

چنانکه دیدیم، پولس عمدتاً الاهیات خود را در بستر خدمت شبانی بیان کرده است. او به جای تمرکز بر الاهیات انتزاعی، به تجربیات حقیقی انسانی پرداخت. حتی آخرت‌شناسی او نیز انتزاعی نبود. در عوض پولس معتقد بود که بسیاری از مشکلاتی که کلیسا با آنها روبرو بود، نتیجهٔ تنش زندگی در دورهٔ همپوشانی عصر حاضر و عصر آینده بود. پولس در نوشتجات خود توضیح داد که خدا در آمدن نخست خود چه برای ایمانداران انجام داده است و به مسیحیان تعلیم داد تا در حین انتظار برای بازگشت مسیح، چگونه زندگی کنند.

برای شکافتن این تمرکز عملی آخرت‌شناسی پولس، به سه موضوع نگاه خواهیم کرد: نخست، اتحاد با مسیح؛ دوم، هدف الاهی؛ و سوم، امید مسیحی. بیایید ابتدا نگاهی به تعلیم پولس در مورد اتحاد با مسیح بیندازیم. **اتحاد با مسیح.** در رومیان ۶: ۳-۴ پولس نشان می‌دهد که اتحاد ما با مسیح، عملاً ما را از عصر حاضر به عصر آینده منتقل می‌کند. پولس با نوشتن دربارهٔ اتحاد با مسیح تحت شرایط تعمید، می‌پرسد:

نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم. (رومیان ۶: ۳-۴)

به بیان ساده‌تر، انتقال از عصر حاضر به عصر آینده، در مرگ و قیام مسیح به شکلی عینی صورت گرفت. اما هر بار که مردان و زنان در ایمان نجات‌بخش به حضور مسیح می‌آیند، به قیام او پیوسته‌اند. در نتیجه، ما دیگر تحت بندگی گناه و داوری خدا علیه آن زندگی نمی‌کنیم. حیاتی نو به ما بخشیده شده است، یک حیات احیا شده تا ما در آزادی خدمت به مسیح زندگی کنیم. پولس در رومیان ۶: ۱۰-۱۱ به توضیح خود ادامه می‌دهد:

به آنچه [مسیح] مُرد یک مرتبه برای گناه مرد و به آنچه زندگی می‌کند، برای خدا زیست می‌کند. همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده. (رومیان ۶: ۱۰-۱۱)

تعلیم پولس دربارهٔ اتحاد ما با مسیح، آخرت‌شناسی را در زندگی عملی تمام ایمانداران به کار می‌گیرد. همانطور که مسیح عصر حاضر و داوری آن را پشت سر گذاشت، ما نیز از گناه و داوری نجات یافته‌ایم. و همانطور که عیسی اکنون در قدرت عصر آینده زندگی می‌کند، ما هم در همان قدرت زندگی می‌کنیم.

وقتی درک کنیم که چطور اتحاد ما با مسیح در ایمان، زندگی تازه‌ای به ما بخشیده است، با سوالی دشوار روبرو می‌شویم: چرا خدا دوره‌ای از همپوشانی بین عصر حاضر و عصر آینده طرح کرد؟ هدف خدا چیست؟

هدف الهی. خدمت بشارتی خودِ پولس در میان غیریهودیان شهادتی است بر باور او به نقشهٔ خدا برای همپوشانی اعصار که شامل متحد ساختن ایمانداران یهودی و غیریهودی به عنوان قومی واحد برای او می‌شود. پولس همچنین باور داشت که خدا همپوشانی بین عصر حاضر و عصر آینده را طرح کرد تا کلیسا بتواند به درجه‌ای از بلوغ روحانی برسد. او بارها این ایده را تحت عنوان بنای معبد خدا – همانطور که در افسسیان ۲: ۱۹-۲۲ می‌بینیم – به تصویر کشید. در دیگر مواقع او از آن تحت عنوان رشد بدن انسان – همانطور که در افسسیان ۴: ۱۵-۱۶ می‌بینیم – صحبت کرد. پولس درک کرده بود که بلوغ روحانی کلیسا یکی از اهداف اصلی خدا برای همپوشانی بین عصر حاضر و عصر آینده بود.

پولس تشخیص داد که چنین دیدگاهی در مورد تاریخ، غیر عادی است و در گذشته مکشوف نشده بود. به همین خاطر او از آن به عنوان رازی صحبت می‌کند که خدا بر او مکشوف کرده است و او باید برای دیگران توضیح بدهد. او در رومیان ۱۱: ۲۵ چنین نوشت:

ای برادران نمی‌خواهم شما از این سرّی خبر باشید که مبادا خود را دانا انگارید که مادامی که پری امت‌ها در نیاید، سخت‌دلی بر بعضی از اسرائیل طاری گشته است. (رومیان ۱۱: ۲۵).

در این قسمت پولس نشان می‌دهد که خدا از زمان حاضر که یهودیان زیادی دل خود را در برابر انجیل سخت کرده بودند استفاده می‌کرد تا «تعداد کامل» یا «پُری» غیریهودیان را نجات دهد. چنانکه او در افسسیان ۳: ۴-۶ نشان می‌دهد:

از مطالعه آن می‌توانید ادراک مرا در سرّ مسیح بفهمید. که آن در قرن‌های گذشته به بنی‌آدم آشکار نشده بود، به‌طوری که الحال بر رسولان مقدس و انبیای او به روح مکشوف گشته است، که امت‌ها در میراث و در بدن و در بهره‌ و عدهٔ او در مسیح به وساطت انجیل شریک هستند. (افسسیان ۳: ۴-۶)

دیدگاه پولس دربارهٔ هدف خدا، راهنمایی برای تمام ایماندارانی ارائه کرد که در طول همپوشانی عصر حاضر و عصر آینده زندگی می‌کنند. مسیحیان در هر دو سطح فردی و جمعی، نباید به این دوره به عنوان انتظاری منفعلانه برای رسیدن پُری عصر آینده نگاه کنند. برعکس، خدا این دوره را برای فعالیت فراوان قرار داد. این دوره زمانی برای نجات بسیاری از تمام اقوام زمین، و برای بلوغ روحانی کلیسا است. به همین دلیل پولس زندگی خود را به انتشار انجیل و بنای کلیسا اختصاص داد و دیگران را نیز خواند تا در این کار با او همراه شوند.

تعلیم پولس دربارهٔ اتحاد ما با مسیح در طول دورهٔ همپوشانی عصر حاضر و عصر آینده، همچنین ارائه‌دهندهٔ منبعی اساسی از امید برای افراد مسیحی در کشاکش‌های آنان با زندگی است.

امید مسیحی. پولس در خدمت خود به عنوان یک رسول، رنج‌های زیادی متحمل شد و می‌دانست که تمام مسیحیان به نوعی رنج می‌کشند. اما آخرت‌شناسی پولس حداقل از دو طریق برای مسیحیان امیدبخش بود. از یک سو، آخرت‌شناسی پولس با اشاره به اینکه ما هم‌اینک در مسیر بهره‌مندی از بسیاری برکات عصر آینده هستیم، برای آینده به ما امید می‌دهد. وقتی به زندگی خود نگاه می‌کنیم و آن برکات عصر آینده را که هم‌اینک در اختیار داریم می‌بینیم، به ما امید می‌بخشد که در آینده حتی صاحب برکات بیشتر و کامل‌تری خواهیم شد. چنانکه که پولس در دوم قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸ می‌نویسد:

از این جهت خسته خاطر نمی‌شویم، بلکه هرچند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن روز به روز تازه می‌گردد... در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی. (دوم قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸)

از سوی دیگر، برکاتی که هنوز پیش روی ما قرار دارند آنچنان شگفت‌انگیزند که کاملاً بر هر رنجی که در این زندگی تجربه کنیم، سایه می‌اندازند. همین باور بود که باعث شد پولس در رومیان ۸: ۱۸ بنویسد:

یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است. (رومیان ۸: ۱۸)

رنج‌های کنونی ما موقت هستند. عیسی در نهایت این عصر شریر حاضر را پایان خواهد بخشید و جهان را به عنوان هدیه‌ای پر جلال برای فرزندان، دوباره خلق خواهد کرد.

پولس پذیرفت که ما در ظاهر به خاطر مشکلات این زندگی از بین می‌رویم، اما در باطن به خاطر برکات عصر آینده که هم‌اینک متعلق به ماست، روز به روز تازه می‌شویم. آزادی از گناه و قدرت روح‌القدس به ما توانایی می‌دهد که در این تازگی باطنی روزانه لذت ببریم و تا به امید ابدی‌مان در مسیح چشم بدوزیم. بیعانه‌های عصر آینده به ما کمک می‌کنند تا چشم به آن ضیافت کامل آتی که در بازگشت مسیح منتظر ماست، نگاه کنیم.

نتیجه‌گیری

در این درس، نگاهی مختصر به پولس و الاهیات او داشتیم. دیدیم که چطور پیش‌زمینه پولس عمیقاً الاهیات او را شکل داد، و چطور خدمت رسولانی او به اعتقادات مسیحی‌اش مرتبط بود. همچنین با کاوش در آخرت‌شناسی پولس به دیدگاه‌های مهمی دربارهٔ تمرکز اصلی الاهیات او دست یافتیم. با در نظر داشتن این دیدگاه‌ها، برای نگاهی عمیق‌تر به زندگی و رسالات پولس در درس‌های بعدی، مجهز خواهیم بود. نه تنها درک بهتری از آنچه پولس به کلیسای اولیه در زمان خود تعلیم داد خواهیم داشت، بلکه خواهیم توانست شفاف‌تر ببینیم که تعلیم او برای امروز ما به چه معنا هستند.